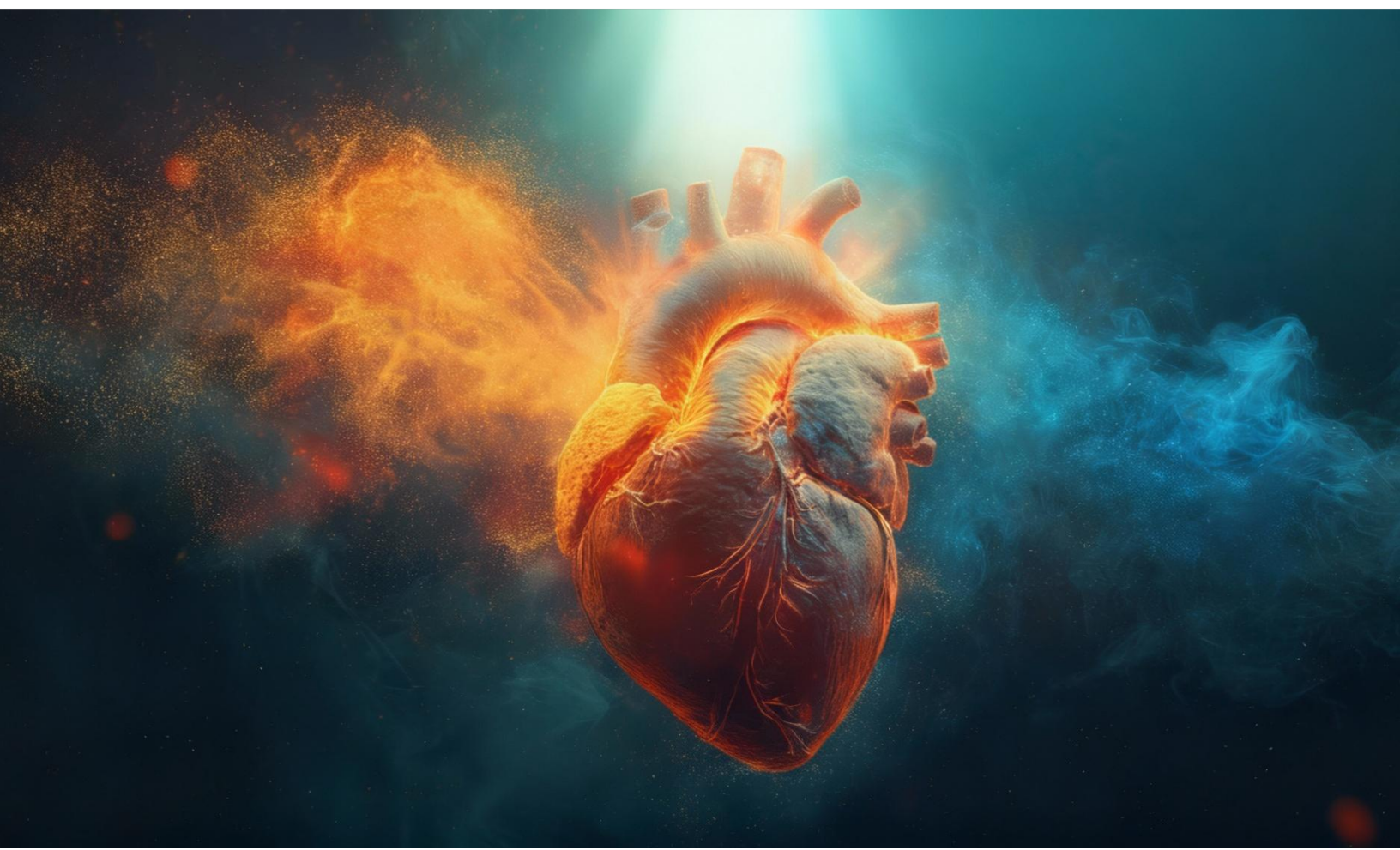




قواعدی در فقه قلوب (۹)

دل‌ها، دگرگونی‌ها و آسیب‌های خود را دارند

دکتر صالح بن عبدالعزیز سندی



قواعدی در فقه قلوب | دل‌ها، دگرگونی‌ها و آسیب‌های خود را دارند |

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دل‌ها، دگرگونی‌ها و آسیب‌های خود را دارند^۱

همان‌گونه که پروردگار متعال حیات بدن را در غذا و نوشیدنی قرار داده، حیات قلب نیز در تداوم یاد الله تعالی، بازگشت به سوی او و رها کردن گناهان و غفلتی است که بر دل‌ها سایه افکنده است.

پراکندگی و آشفتگی دل‌ها با هیچ‌چیز سامان نمی‌یابد جز با روی آوردن به پروردگار و روی‌گردانی از غیر او؛ آنجاست که آشفتگی‌اش برطرف می‌شود، تیرگی‌اش از میان می‌رود، سفرش به سلامت می‌انجامد، عطر زندگی را استشمام می‌کند و طعم خوشبختی را می‌چشد!

^۱ نگاه کنید به: مدارج السالکین (۳/ ۹۵، ۲۴۸، ۲۵۶).

قواعدی در فقه قلوب | دل‌ها، دگرگونی‌ها و آسیب‌های خود را دارند |

دلبستگی به رذایل و شهوت‌های حرام، این حیات را ضعیف می‌کند و این ضعف مدام بر قلب چیره می‌شود تا جایی که می‌میرد. نشانهٔ مرگ دل این است که دیگر نه نیکی را می‌شناسد و نه زشتی را انکار می‌کند.

● **انسان خردمندی که خیرخواه خویش است،** از بیماری و مرگ دلش بسیار بیشتر از بیماری و مرگ بدنش می‌ترسد، حال آنکه وضعیت بیشتر مردم برعکس است. آن‌ها نه به مرگ دل اهمیت می‌دهند و نه به بیماری آن، و از زندگی جز همین حیات مادی را نمی‌شناسند. این خود ناشی از مرگ دل‌ها و روح‌های آنان است؛ چرا که این زندگی مادی شبیه سایه‌ای است زوال‌پذیر، گیاهی است که زود خشک می‌شود و خوابی است که گویی حقیقت دارد، اما هنگام بیداری روشن می‌شود که خیالی بیش نبوده است! و چه راست گفت آن که سرود:

قواعدی در فقه قلوب | دل‌ها، دگرگونی‌ها و آسیب‌های خود را دارند |

وَالْعَيْشُ نَوْمٌ وَالْمَنِيَّةُ يَقْظَةٌ ... وَالْمَرْءُ بَيْنَهُمَا خِيَالٌ سَارِي^۱ (زندگی خواب است و مرگ بیداری، و آدمی میان این دو خیالی است در گذر)

از یکی از سلف روایت شده که گفتند: «اگر تمام دنیا از آغاز تا انجامش به یک نفر داده شود و سپس مرگ به سراغش آید، او بسان کسی است که در خواب چیزی دیده که او را شاد کرده، اما وقتی بیدار شده هیچ چیز در دستش نبوده است!»^۲

از جمله مسائلی که باید دانست این است که دل‌ها احوال و دگرگونی‌هایی دارند، دچار بیماری‌ها و آسیب‌ها می‌شوند، ویژگی‌های متفاوتی دارند و احوالشان تغییر می‌کند. این حقیقت، مؤمن را می‌ترساند و او را می‌دارد تا در دلش جست‌وجو کند، در احوالش بیندیشد و دردهایش را درمان نماید.

^۱ از قصیده‌ی علی بن محمد التهامی در رثای فرزندش. نگاه کنید به: تاریخ دمشق (۴۳/ ۲۲۳).

^۲ ابن قیم در مدارج السالکین در دو موضع (۳/ ۹۲، ۲۴۸) آن را به عمر بن خطاب رضی الله عنه نسبت داده است.

قواعدی در فقه قلوب | دل‌ها، دگرگونی‌ها و آسیب‌های خود را دارند |

دل‌ها نابینا می‌شوند و بینا می‌گردند؛ بنابراین قلب با بینایی و نابینایی توصیف می‌شود و کوری آن از کوری چشم عمیق‌تر است. در واقع بینایی و کوری در اصل متعلق به دل است و چشم در این میان تابع آن است. پس هرگاه دل نبیند، صاحبش نابینایی است که چشمانش باز است!

الله تعالی می‌فرماید: **فَإِنَّهَا لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ** [حج: ۴۶] (چرا که در حقیقت چشم‌ها نابینا نمی‌شوند، بلکه دل‌هایی که در سینه‌هاست نابینا می‌شوند).

● **نابینا شدن دل:** یعنی ندیدن حق؛ و این به سبب زنگار گناهانی است که بر آن نشست. نابینایی دل‌ها به میزان گناهان بستگی دارد و درجاتی دارد، و نابینایی کامل ویژگی دل‌های کافر است!

● **و دل‌ها سخت یا زمخت و نرم می‌گردند؛** تا جایی که گاه سختی‌شان به اندازه سنگ یا سخت‌تر از آن می‌شود. الله تعالی فرموده است: **ثُمَّ قَسَتْ**

قواعدی در فقه قلوب | دل‌ها، دگرگونی‌ها و آسیب‌های خود را دارند |

قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً [بقره: ۷۴] (سپس دل‌های

شما پس از آن سخت شد، پس آن‌ها همچون سنگ یا سخت‌تر [از آن] است).

دل زمخت و سخت: قلبی سنگی است که در آن نه رحمتی است، نه احسانی

و نه نیکی؛ بلکه ستمگری نادان است که نه به حق دانشی دارد و نه در حق

خلق رحمتی.

میان این دل‌های سخت و زمخت با دل‌های اهل سعادت که نرم و فروتن

هستند، تفاوتی بس بزرگ است. الله تعالی فرموده است: **ثُمَّ تَلِيْنُ جُلُودُهُمْ**

وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ [زمر: ۲۳] (سپس پوست‌ها و دل‌هایشان با یاد الله نرم

می‌گردد). همچنین پروردگار متعال فرموده است: **وَلْيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ**

أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ [حج: ۵۴] (تا آنان که دانش

یافته‌اند بدانند که آن [وحی] حق است و از جانب پروردگار توست، پس به آن

ایمان آورند و دل‌هایشان در برابر او نرم و فروتن گردد).

قواعدی در فقه قلوب | دل‌ها، دگرگونی‌ها و آسیب‌های خود را دارند |

● همچنین ممکن است بر دل‌ها مهر زده شود و بسته گردند؛ الله تعالی فرموده است: **{وَنُطْبِعُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ}** [اعراف: ۱۰۰] (و بر دل‌هایشان مهر می‌نهم، پس آن‌ها دیگر [سخن حق را] نمی‌شنوند). و حق سبحانه و تعالی فرموده است: **{قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ}** [انعام: ۴۶] (بگو: به من خبر دهید اگر الله شنوایی و بینایی شما را بگیرد و بر دل‌هایتان مهر نهد، کدام معبودی جز الله هست که آن را به شما بازگرداند؟).

● و دل‌ها ناپاک می‌شوند و پاک می‌گردند؛ الله تعالی فرموده است: **{أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ}** [مائده: ۴۱] (آنان کسانی هستند که الله نخواسته است دل‌هایشان را پاک گرداند، برای آنان در دنیا خواری و در آخرت عذابی بزرگ است).

دل ناپاک تنها با غذاهایی که مناسب این ناپاکی است تغذیه می‌کند و این به اندازه ناپاکی است که در آن وجود دارد. بنابراین چنین دلی همچون بدن بیمار است؛ غذاهایی که با بدن سالم سازگار است، با او سازگاری ندارد.

قواعدی در فقه قلوب | دل‌ها، دگرگونی‌ها و آسیب‌های خود را دارند |

پروردگار متعال بهشت را بر کسی که در دلش ناپاکی و پلیدی باشد حرام کرده است؛ و چنین کسی - اگر اصل ایمان را داشته باشد - وارد بهشت نمی‌شود مگر پس از پاکیزگی و طهارتش.^۱ چرا که بهشت سرای پاکان است و از این رو به آن‌ها گفته می‌شود: **{طَبِّتُمْ فَأَدْخُلُوهَا خَالِدِينَ}** [زمر: ۷۳] (پاک شدید، پس جاودانه وارد آن شوید).

● **اما دلِ طاهر؛** سرشار از زندگی و نور است و از آلودگی‌ها و پلیدی‌ها رها گشته است. چنین دلی از قرآن و سنت سیر نمی‌شود، جز با حقیقت‌های آن دو تغذیه نمی‌کند و جز با داروهای آن‌ها درمان نمی‌جوید.

الله تعالی فرموده است: **{يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ○ قُمْ فَأَنْذِر ○ وَرَبَّكَ فَكَبِّر ○ وَثِيَابَكَ فَطَهِّر}** [مدثر: ۱-۴] (ای جامه به خود پیچیده، برخیز و بیم ده، و پروردگارت را بزرگ بدار، و جامه‌ات را پاک کن). بیشتر مفسران از سلف و خلف

^۱ پاکیزگی یا صرفاً با بخشش و آموزش او حاصل می‌شود، یا با عذابی در آتش، پیش از ورود به بهشت. اما کافر، ناپاکی‌اش همیشگی است و هرگز پاک نمی‌شود.

قواعدی در فقه قلوب | دل‌ها، دگرگونی‌ها و آسیب‌های خود را دارند |

بر این باورند که مقصود از «جامه» در اینجا همان «دل» است؛ و منظور از پاکیزه کردن، اصلاح نفس، اعمال و اخلاق و پیراستن آن‌ها از گناهان است.^۱

«منظور از پاکیزگی از گناه» (در آیه) یا این است که بنده آن را انجام ندهد، و یا اینکه (در صورت انجام) از آن توبه کند.^۲

پاکیزگی ظاهری لباس و حلال بودن کسب و کار، چیزی جز کامل‌کننده‌ی پاکی دل نیست.

● **دل‌ها تباه می‌شوند و سامان می‌یابند؛** پیامبر ﷺ فرموده است: «آگاه باشید که در بدن پاره‌گوشتی است؛ اگر به صلاح آید، تمام بدن به صلاح

^۱ نگاه کنید به: تفسیر طبری (۴۱۰ / ۲۳)، و تفسیر ابن عطیه (۳۹۲ / ۵)، و مختصر الفتاوی المصریه از ابن تیمیه (۱۷۳)، و جامع المسائل - مجموعه چهارم (۲۲۵)، و إغاثة اللفهان (۸۶ / ۱)، و مدارج السالکین (۲۲ / ۲).

^۲ منهاج السنه (۸۰ / ۷).

می‌آید و اگر فاسد شود، تمام بدن تباه می‌شود. بدانید که آن همان دل است.»!

چقدر تفاوت است میان دل صالح و دل فاسد!

● **و دل‌ها تیره می‌شوند و سپید می‌گردند؛** به سبب انباشته شدن گناهان، سیاه و تاریک می‌شوند؛ یا با یکتاپرستی پروردگار متعال و طاعت او، سپید و درخشان می‌گردند.

پیامبر ﷺ دل‌ها را چنین وصف کرده است که در نهایت به دو گونه درمی‌آیند: سپید و سیاه؛ ایشان می‌فرمایند: «فتنه‌ها همچون تار و پود حصیر، یکی پس از دیگری بر دل‌ها عرضه می‌شوند. هر دلی که آن‌ها را در خود جذب کند، نقطه‌ای سیاه در آن پدید می‌آید و هر دلی که آن‌ها را پس بزند، نقطه‌ای سپید در آن نقش می‌بندد؛ تا آنکه دل‌ها بر دو نوع شوند: یکی سپید همچون سنگ صاف [صفا] که تا زمین و آسمان برپاست هیچ فتنه‌ای به او گزند

^۱ به روایت بخاری (۵۲) و مسلم (۱۵۹۹).

قواعدی در فقه قلوب | دل‌ها، دگرگونی‌ها و آسیب‌های خود را دارند |

نمی‌رساند؛ و دیگری سیاه و غبارآلود، همچون کوزه‌ای واژگون که نه نیکی را می‌شناسد و نه زشتی را انکار می‌کند، مگر آنچه را که از هوای نفسش در خود کشیده باشد»!

خردمند کسی است که در اعماق دلش فرو می‌رود تا بداند: آیا دلی سپید دارد یا تیره؟!

● **و دل‌ها غافل می‌شوند و بیدار می‌گردند؛** الله تعالی فرموده است: **وَلَا تُطِغْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ** [کهف: ۲۸] (و از کسی که دلش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوای نفسش پیروی کرده است، اطاعت مکن).

^۱ به روایت مسلم (۱۴۴). معنای «نُكْتُ فِيهِ نُكْتَةً» یعنی در آن نقطه‌ای گذاشته شد. «صفا» سنگ صافی است که چیزی به آن نمی‌چسبد. «مرباد» صفتِ مشبیه از «رُبْدَه» است و آن رنگی میان سپید و سیاه و غبارآلود، همچون رنگ خاکستر است؛ بنابراین معنای «سیاه مرباد» یعنی سیاهی که با تیرگی آمیخته شده است. «کوز» همان ظرف است و «مجخیا» یعنی واژگون یا مایل. ایشان دلی را که خیر را درک نمی‌کند به ظرف مایلی تشبیه کرده‌اند که هرچه در آن بریزی، در آن مستقر نمی‌شود؛ این دل نیز چنین است، هر اندازه حق به او برسد، چیزی از آن در او باقی نمی‌ماند.

قواعدی در فقه قلوب | دل‌ها، دگرگونی‌ها و آسیب‌های خود را دارند |

غفلت، خوابِ دل و حجابِ آن است، بنابراین [دل غافل] زندگی و نورش را نمی‌جوید. بسیاری از کسانی که در ظاهر بیدارند، در حقیقت خواب هستند؛ آن‌ها را بیدار می‌پنداری، در حالی که خفته‌اند!

دل غافل پناهگاه شیطان است؛ چرا که او وسوسه‌گری پنهان‌کار (خَنَاس) است که دل غافل را ربوده و انواع وسوسه‌ها و خیال‌های باطل را بر آن می‌خواند. اما هرگاه بنده به یاد آید و پروردگار متعال را یاد کند، شیطان عقب‌نشینی می‌کند. او همواره میان وسوسه و عقب‌نشینی است. همچنین او همیشه منتظر غفلتِ بنده است تا بذره‌های آرزو و شهوت را در دلش بکارد؛ بذرهایی که هر خار و بلایی از آن‌ها می‌روید. او مدام با آبیاری خود به آن مدد می‌رساند تا آنکه دل را بی‌پوشاند و نابینایش سازد.

بی‌گمان بدن غافلان، گوری برای دل‌هایشان است و دل‌هایشان در آن پیکرها، همچون مردگان در گورستان هستند! چنان که گفته شده است:

قواعدی در فقه قلوب | دل‌ها، دگرگونی‌ها و آسیب‌های خود را دارند |

فَنَسِيَانُ ذِكْرَ اللَّهِ مَوْتُ قُلُوبِهِمْ ... وَأَجْسَامُهُمْ قَبْلَ الْقُبُورِ قُبُورٌ وَأَرْوَاحُهُمْ فِي وَحْشَةٍ مِنْ جُسُومِهِمْ ... وَلَيْسَ لَهُمْ حَتَّى النُّشُورِ نُشُورٌ^۱ (فراموشی یاد الله، مرگ دل‌های آن‌ها است؛ و تن‌هایشان پیش از رسیدن به گور، خود گورستان است. روح‌هایشان در پیکرهایشان در تنهایی و غربت است؛ و برای آنان تا روز رستاخیز، هیچ رستاخیزی نیست).

● و دل‌ها منحرف می‌شوند و به راه می‌آیند؛ پروردگار متعال فرموده است: **{فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ}** [صف: ۵] (پس چون [از حق] برگشتند، الله دل‌هایشان را منحرف ساخت).

و کژ کردن دل (إِزَاغَة): یعنی منحرف ساختن آن؛ و کژ شدن (زیغ): یعنی میل کردن آن از هدایت به سوی گمراهی است. پروردگار متعال فرموده است: **{رَبَّنَا}**

^۱ مدارج السالکین (۲/ ۴۰۲). و ابن قیم در برخی از کتاب‌هایش آن را به همین صورت آورده است؛ همچنین در «أدب الدنيا والدين» (۳۷) به صورتی مشابه آمده است. این سخن در تمام این جایگاه‌ها بدون نسبت [به گوینده‌ای خاص] ذکر شده است.

قواعدی در فقه قلوب | دل‌ها، دگرگونی‌ها و آسیب‌های خود را دارند |

لَا تُزِعْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا؛ [آل عمران: ۸] (پروردگارا، دل‌های ما را پس از آنکه هدایت‌مان کردی، منحرف مگردان).

● **و دل‌ها دگرگون می‌شوند و استوار می‌گردند؛** دگرگون کردن (تقلیب) یعنی برگرداندن چیزی از رویی به روی دیگر. الله تعالی فرموده است: **وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَارَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ؛** [انعام: ۱۱۰] (و ما دل‌ها و چشم‌هایشان را دگرگون می‌کنیم، همان‌گونه که نخستین بار به آن ایمان نیاوردند؛ و آنان را در طغیان‌شان سرگردان رها می‌سازیم).

و پیامبر ﷺ فرموده است: «بی‌گمان دل فرزند آدم، دگرگون‌شونده‌تر از دیگی است که به جوش آمده باشد»!

^۱ احمد آن را در مسند (۲۳۸۱۶) آورده است. در همین معنا حدیث ابوموسی [آمده]: «نام دل را تنها از آن رو قلب نهادند که دگرگون می‌شود؛ مَثَلُ دَلِّ مَانِدٍ پری است که به تنه درختی گیر کرده و باد آن را زیرورو می‌کند». احمد در مسند (۱۹۶۶۱) آن را آورده و در مرفوع یا موقوف بودن آن اختلاف است.

قواعدی در فقه قلوب | دل‌ها، دگرگونی‌ها و آسیب‌های خود را دارند |

ابن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: بیشترین سوگند پیامبر ﷺ این بود که: «نه، سوگند به دگرگون‌کننده دل‌ها»!

مَا سُمِيَ الْقَلْبُ إِلَّا مِنْ تَقَلُّبِهِ ... فَاحْذَرِ عَلَى الْقَلْبِ مِنْ قَلْبٍ^۲ (نام دل را تنها به خاطر منقلب شدنش «قلب» نهادند؛ پس برای دلت، از دگرگون گشتن آن بیم داشته باش!)

و دگرگونی دل - که پرهیزکاران از آن بیم داشتند - این است که از راه هدایت به سوی گمراهی بازگردد؛ یعنی آنکه پس از پایداری منحرف شود و پس از بینایی، نابینا گردد!

و همه این‌ها به دست پروردگار متعال است و جز آنچه او بخواهد رخ نمی‌دهد؛ اوست که دل‌ها را دگرگون می‌کند و به هر سو که بخواهد می‌گرداند، و بنده جز آنچه پروردگارش بخواهد، نخواهد خواست: **وَأَعْلَمُوا**

^۱ به روایت بخاری (۶۶۱۷). همچنین آن را به شماره (۶۶۲۸) از ابن عمر روایت کرده که گفت: سوگند پیامبر ﷺ این بود: «نه، سوگند به دگرگون‌کننده دل‌ها».

^۲ الدر المصون، سمین الحلبی (۱/ ۱۱۴).

قواعدی در فقه قلوب | دل‌ها، دگرگونی‌ها و آسیب‌های خود را دارند |

أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ {انفال: ۲۴} (و بدانید که الله میان انسان و دلش حائل می‌شود).

بندگان میان توفیق حق سبحانه و تعالی و وا گذاشتن او در نوسان هستند؛

پس اوست که دل‌های اولیای خویش را به سوی خود می‌آورد، ایمان را در آن‌ها زینت می‌بخشد و از روی فضل خویش آنان را استوار می‌سازد. اوست که دل‌های دشمنانش را برمی‌گرداند، آن‌ها را منحرف می‌کند و از روی عدل خویش آنان را [از نیکی] باز می‌دارد. او را در این و آن حکمتی والا است؛ و او به جایگاه‌های فضل و جایگاه‌های عدل خویش داناتر است، و الله تعالی ستمی برای جهانیان نمی‌خواهد.

از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهما روایت است که شنید رسول الله ﷺ می‌فرمود: «بی‌گمان تمام دل‌های فرزندان آدم میان دو انگشت از انگشتان [خدای] رحمان همچون یک دل است، آن را هرگونه که بخواهد می‌گرداند». سپس رسول الله ﷺ فرمود: «اللهم مُصَرِّفِ الْقُلُوبِ صَرِّفْ قُلُوبَنَا

قواعدی در فقه قلوب | دل‌ها، دگرگونی‌ها و آسیب‌های خود را دارند |

علی طاعتك» (بارالها، ای دگرگون‌کننده دل‌ها، دل‌های ما را بر طاعت خویش استوار گردان).^۱

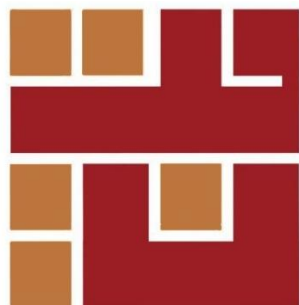
● و بر دل‌ها قفل زده می‌شود؛ چنانکه الله تعالی می‌فرماید: **أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ** **الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا؟** (محمد: ۲۴) (آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند یا بر دل‌ها قفل‌های آن [زده شده] است؟).

دل قفل خورده بر شر و بدی که در آن هست بسته شده، پس هرگز خیری به آن وارد نمی‌شود؛ حال او همچون صندوقی است که با قفل‌های محکم بسته شده؛ چگونه نیکی می‌تواند راهی به سوی آن یابد!

اما بعد... این چکیده‌ای از احوال دل‌ها بود؛ پس گوارا باد بر کسی که از بیماری‌ها و دردهای دلش عافیت یافت، در جامه‌های تندرستی خرامید، به دلی سلیم دست یافت و از نعمت‌یافتگان گشت؛ آنان که نه مورد خشم هستند و نه از گمراهان.

^۱ به روایت مسلم (۲۶۵۴).

قواعدی در فقه قلوب | دل‌ها، دگرگونی‌ها و آسیب‌های خود را دارند |



مرکز مطالعات متین

www.MatinStudies.com

t.me/MatinStudies

facebook.com/MatinStudies

Instagram.com/Matinstudies

X.com/Matinstudies